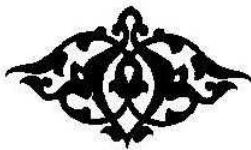


۱۴۹۳۱۸۹
۹۶ - ۳۲۷

اعلام و سیر

بسم الله الرحمن الرحيم



سید مصطفی علوی

سرشناسه : علوی، سید مصطفی، ۱۳۴۰ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور : روح ادب / به کوشش سیدمصطفی علوی.
مشخصات نشر : قزوین: مهرگان دانش: سایه گستر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری : ۲۹۵ ص.

شابک : 978-600-8130-21-5

وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : عباس بن علی (ع)، ۲۶؟ - ۶۱ق -- سرگذشتنامه
موضوع : Abbas ibn Ali -- Biography
موضوع : عباس بن علی (ع)، ۲۶؟ - ۶۱ق. -- شعر
موضوع : شعر مذهبی فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
رده بندی کنگره : PIR ۴۱۹۱ ۱۳۹۵ ۸۲۴ع /
رده بندی دیویی : ۶۲۰۸۳۵۱/۱۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۴۶۱۲۹۲۲



آدرس: قزوین، چهارراه نادری، جنب داروخانه ۱۸، طبقه ۲، پلاک ۲۲۳۸-۲۲، ۲۲۳۴۵۲۰۵-۲۸

روح ادب

به کوشش: سید مصطفی علوی

ناشر: مهرگان دانش - ناشر همکار: سایه گستر

تایپ و صفحه آرایی: مرضیه طاهری

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

طراح جلد: انسیه بخارایی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۳۰-۲۱-۵

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

مرکز فروش: ۰۲۸-۳۵۲۲۶۹۴۰ ۰۹۱۲۷۸۸۷۹۶۶

Email: info@barane-marafat.ir

فهرست

۲۹	به جای مقدمه.....
۴۱	یاد و سپاس.....
۴۳	همرنگ کویر.....
۴۳	خورشید کربلاها.....
۴۳	بوسه‌ی فرات.....
۴۴	دست خدا.....
۴۴	ترس.....
۴۴	کوتاهی آب.....
۴۵	نجلوی قر خدا.....
۴۵	فانی.....
۴۵	مار.....
۴۶	مقام خاص.....
۴۶	نور هدی.....
۴۶	سردار غریب عشق.....
۴۷	بچه‌ها.....
۴۷	التهاب.....
۴۷	شفیع بینشان.....
۴۸	شیر شرزه.....
۴۸	آبروی دریا.....
۴۸	مشکل گشا.....
۴۹	گلشن استعاره.....
۴۹	ساحل.....
۴۹	بهشت احساس.....
۵۰	ساربان.....
۵۰	دستان ماه.....
۵۲	لیلیک.....

۵۲	یَلِ سِران
۵۲	آب شد آب
۵۳	بیتاب
۵۳	حسرت
۵۳	تشنه‌ی عشق
۵۴	آرزوی آب
۵۴	دریاب
۵۴	آرزو
۵۵	اشک آسمان
۵۵	یک جرعه ابا الفضل علیه السلام
۵۵	فضیلت عشق
۵۶	اخلاص
۵۶	اندیشه‌ی بیبا
۵۶	نگاه تشنه
۵۷	تشنه‌ی محبت
۵۷	پیغمبر آب
۵۷	بند اسارت
۵۹	بی قرار
۵۹	وفاداری
۵۹	راه نجات
۶۰	سقای فتوت
۶۰	ذکر جوانمردان
۶۰	تصویر آفتاب
۶۱	آتشی داغ
۶۱	حادثه
۶۱	باغ نگاه
۶۲	باغبان تنها

- انتظار ۶۲
- هیبت ۶۲
- شرار شرم ۶۳
- مه جبین ۶۳
- سبزترین شاخه ۶۳
- قحط آب ۶۴
- لوای همت ۶۴
- دشت جهاد ۶۴
- بدون چشمداشت ۶۵
- عطش ۶۵
- سرمه اش ۶۵
- مشتافی ۶۶
- تلفیق امید ۶۶
- عشق و امید ۶۶
- رونق مهتاب ۶۷
- گرد مدارا ۶۷
- گردباد عاطفه ها ۶۷
- نور مشرقین ۶۸
- محرم اسرار ۶۸
- ضریح ۶۸
- سرباز وفا ۶۸
- عطش نوش شهادت ۶۹
- صلوات ۶۹
- دو تا دست ۷۰
- غربت نینوا ۷۰
- تشنه ترین عاشقان ۷۰
- سوزنی ۷۱

۷۱		اشک مشک
۷۱		تنهایی
۷۲		ترس
۷۲		فدای قدمت
۷۲		غیرت و همت
۷۳		جام بلا
۷۳		دامن کهکشانی
۷۳		کو دو دست؟
۷۴		نگاه دم به دم
۷۴		شکستگی
۷۴		باز دانه
۷۵		وصل یکتا
۷۵		اشک الماس
۷۵		خورشید صفت
۷۶		شکوفایی
۷۶		اسطوره‌ی احساس
۷۶		لشکر داس
۷۷		داس و یاس
۷۷		دلشکسته
۷۷		چشمه‌ی احساس
۷۷		تپش مرگ
۷۷		ساقی تشنه لب
۷۸		نعره‌ی آفاقی
۷۹		دریا و حرم و حُجره
۷۹		عزای سقا
۷۹		شاخه‌ی سرو
۸۰		گلِ باغ رسول صلی الله علیه و آله

۸۰		عطر جنان
۸۰		باب حاجات
۸۱		ساقی مه لقا
۸۱		ستاره‌ی آزادی
۸۱		چشم مشک
۸۲		عطر دلکش
۸۲		امیر الأمرا
۸۲		حیدر ثانی
۸۳		آبروی مشک
۸۳		سبزه ازرا
۸۳		جان جان
۸۴		شکوه اسد ان‌ها
۸۴		آبروی عاشقان
۸۴		رسم دنیا
۸۵		شوق و شمع
۸۵		دعای بیدلان
۸۵		ماجرای خیمه
۸۶		رفت از دست
۸۶		ستون آسمان
۸۶		معنای وفا
۸۷		آفتاب گرفت
۸۷		شفیع اُمت
۸۷		دل کباب
۸۸		کمال شوق
۸۸		صلوات
۸۸		افسوس
۸۹		درس ادب

۸۹	گواه عاشقی
۸۹	مرام عشق
۹۰	دو بال پرواز
۹۰	معرکه
۹۰	درس محبت
۹۱	درس دوستی
۹۱	رونمای زهر ^{العیاذ} العیاذ
۹۱	جا پای عطش
۹۲	گلوآزهی عشق
۹۲	ربیعهی جوانمردی
۹۲	حصه
۹۳	ماغر اثر
۹۳	حرمت حریر
۹۳	غیرت ذوالفقار
۹۴	پرچم سرخ عشق
۹۴	افسوس
۹۴	ستاره چکان
۹۵	دست شفاعت
۹۵	سرباز دین
۹۶	شاهباز علین
۹۶	آیین وفا
۹۶	یدالله
۹۷	درود و صلوات
۹۷	گلشن معرفت
۹۷	این کیست؟
۹۸	علامت
۹۸	غیرت و وفا

بود و نبود	۹۸
الماس اشک	۹۹
حسرت	۹۹
برادر عاشورا	۹۹
دشت	۱۰۰
نماز آیات	۱۰۰
حریم خاص	۱۰۰
آبروی آب	۱۰۱
تشنگی هفت دریا	۱۰۱
انگاب	۱۰۱
آبروی دریا	۱۰۲
گرد مدار	۱۰۲
رود زمانه	۱۰۲
سرو تماشایی ایمان	۱۰۳
راه نجات	۱۰۳
گلوازه‌ی عشق	۱۰۳
شرمندگی آب	۱۰۴
یک درد	۱۰۶
موج خشم	۱۰۷
مشک ز هم دریده	۱۰۸
شط	۱۰۸
سقای بزرگ	۱۰۹
جاری	۱۰۹
شاهین قدر	۱۰۹
تب و تاب	۱۱۰
امیدواری	۱۱۰
گذشت	۱۱۰

۱۱۱	سوره‌ی خون
۱۱۱	بوسه
۱۱۱	عشق شعله‌ور
۱۱۲	جاری بیکران
۱۱۲	دستان سبز
۱۱۲	اعجاز
۱۱۳	ماه و خورشید
۱۱۳	طلوع ماه
۱۱۳	سرمستی
۱۱۴	کاف
۱۱۴	دریا، اندیشه
۱۱۴	کرشمه عشق
۱۱۵	نماز عاشق
۱۱۶	شکوه آب
۱۱۶	روح آب
۱۱۶	کشتی نجات
۱۱۷	غربت آفتاب
۱۱۷	غنچه‌ی زخم
۱۱۷	پاسدار حرمت‌ها
۱۱۸	عطر گل یاس
۱۱۸	گلاب اشک
۱۱۸	قلزم جود
۱۱۹	شیردل
۱۱۹	روشنگر آفتاب
۱۱۹	پرچم عشق
۱۲۰	دایره‌ی عشق
۱۲۰	فصل شکفتن

۱۲۰	ادب
۱۲۱	دعا
۱۲۱	شرح پیروز
۱۲۱	احساس
۱۲۲	غمناک‌ترین مرثیه
۱۲۲	یک دجله دریغ
۱۲۲	نبض شط
۱۲۳	دست
۱۲۳	چراغ ماه
۱۲۳	یک
۱۲۴	یک آینه تشریفی
۱۲۴	غیرت
۱۲۴	سطوت حیدر
۱۲۵	بی‌شرمی
۱۲۵	پرورده‌ی آسمان
۱۲۵	سوره‌ی تن
۱۲۶	رود جاری
۱۲۶	زبان آب
۱۲۷	لغت
۱۲۷	شطّ مواج
۱۲۷	لوا‌ی همّت
۱۲۷	کتاب استقامت
۱۲۸	ماه عطشناک
۱۲۸	تشنه‌تر از آب
۱۲۸	عرق شرم
۱۲۹	شکوه
۱۲۹	سردار قضا

۱۲۹	ایثار
۱۳۰	اسباب شفاعت
۱۳۰	تبار احساس
۱۳۰	کاری بزرگ
۱۳۱	گلزار
۱۳۱	بال پرواز
۱۳۱	دست شفاعت بخش
۱۳۲	سز مگو
۱۳۲	راز
۱۳۲	پیون
۱۳۳	ن پیر
۱۳۳	شعاعی از بهاب
۱۳۳	هم رنگ شفت
۱۳۴	چه کند؟
۱۳۴	امتحان
۱۳۴	عمو عمو
۱۳۵	دستی که
۱۳۵	صد تکه ز عشق
۱۳۵	عباس هنوز
۱۳۶	شور و نوا
۱۳۶	آذرخش
۱۳۶	دل و بیتابی
۱۳۷	ساقی آسمان
۱۳۷	رسم
۱۳۷	دجله ی خون
۱۳۸	نزن
۱۳۸	اگر

۱۳۸	مذعی
۱۳۹	آینه‌ی آب
۱۳۹	چابک
۱۳۹	شاخه‌ی احساس
۱۴۰	مشعل کش عشق
۱۴۰	ساقی چشمه‌ی بقا
۱۴۰	یک علقمه درد
۱۴۱	دو چشم ماه
۱۴۱	خورشید
۱۴۱	زین شفق
۱۴۲	هفت
۱۴۲	شکسته
۱۴۲	ولایت خدا
۱۴۳	بی همتا
۱۴۴	هدیه‌ی معنوی
۱۴۴	هرس دستان
۱۴۴	بیابی
۱۴۵	آب چه شد؟
۱۴۵	سرشار از خدا
۴۵	پرواز عمودها
۴۶	قربانی
۱۴۶	بلندی مرام
۱۴۶	هنگامه‌ی عاشقی
۱۴۷	تک ستاره
۱۴۷	آوازه‌ی ادب
۱۴۷	برگرد
۱۴۸	سرو دین

۱۴۸		شتابان
۱۴۸		سکوت
۱۴۹		روضه‌ی عباس علیه السلام
۱۴۹		گلواژه
۱۴۹		سپیدار سرخ
۱۵۰		آیین‌ی حق
۱۵۰		دریای وفا
۱۵۰		سرنگو
۱۵۱		امان
۱۵۱		علقمه عشق
۱۵۱		رمان حبیب
۱۵۲		صاف جبه جنه
۱۵۲		مطلع شهاب
۱۵۲		پاداش عمل
۱۵۳		عطش عشق
۱۵۳		مال تو باد
۱۵۳		خورشید وفا
۱۵۴		غبطه
۱۵۴		مهر
۱۵۴		دو قطره اشک
۱۵۴		روان نه تو
۱۵۶		روز خون خواهی
۱۵۶		بال صعود
۱۵۶		سر مست
۱۵۶		ساقی حرم
۱۵۷		امانت مادر
۱۵۷		دیده‌ی علمدار

۱۵۷	سرچشمه‌ی آب‌ها
۱۵۸	منتظریم
۱۵۸	تماشا
۱۵۸	سینه‌ی عشق
۱۵۹	خیمه‌ها
۱۵۹	لرزه
۱۵۹	جان
۱۶۰	رانه‌ی جانسوز
۱۶۰	غریب
۱۶۰	رگِ غیرت
۱۶۱	تُندرِت
۱۶۱	نخلِ سرخ
۱۶۱	ستونِ عشق
۱۶۲	گلِ سبزِ وجود
۱۶۲	بویِ مرد
۱۶۲	مشکِ شهید
۱۶۳	زکاتِ غیرت
۱۶۳	تداعی
۱۶۳	آب و آبرو
۱۶۴	آیینهِ
۱۶۴	شرمنده
۱۶۴	هیأتِ عباس
۱۶۵	نذری
۱۶۵	سینه‌ی دریایی
۱۶۵	خاکِ زهر ^{المنه}
۱۶۶	خورشیدترین ماه
۱۶۶	یَلِ نِستوه

۱۶۶	شکست آینه
۱۶۷	شرم فرات
۱۶۷	وضوی عشق
۱۶۷	ای رود
۱۶۸	مشک دل
۱۶۸	تمنا
۱۶۸	مشق غیرت
۱۶۹	تکیه گاه
۱۶۹	سر مشق
۱۶۹	ناله کیر
۱۷۰	سر ممی عشق
۱۷۰	شلا فرات
۱۷۰	شانه‌ی آفتاب
۱۷۱	بُغض دیرینه
۱۷۱	روضه‌ی عباس علیه السلام
۱۷۱	آینه‌داری آسمان
۱۷۲	سوزش ساقی
۱۷۲	اسباب شفاعت
۱۷۲	عُربت آفتاب
۱۷۲	بی قرار فرات
۱۷۳	رقصان رقصان
۱۷۳	شوریده‌ترین موج
۱۷۴	سمت ساحل
۱۷۶	چشمه‌ی جوشان
۱۷۶	پشت شکسته
۱۷۶	دستگیری
۱۷۷	شرمساری

یار.....	۱۷۷
آرام.....	۱۷۷
ولی الله.....	۱۷۸
فرزند خیر.....	۱۷۸
سپیدار.....	۱۷۸
عبد خدا.....	۱۷۹
اوج عطش.....	۱۸۰
میراث یلی.....	۱۸۰
دست بردار.....	۱۸۰
آری خوش.....	۱۸۲
بم.....	۱۸۲
دست یار.....	۱۸۲
تهمت آب.....	۱۸۳
آب حیات.....	۱۸۳
آینه ها.....	۱۸۳
عاشق سرافراز.....	۱۸۴
ماهی ها.....	۱۸۵
دریا.....	۱۸۵
حفظ جان.....	۱۸۶
شرمساری.....	۱۸۶
جان تازه.....	۱۸۸
درس جوانمردی.....	۱۸۸
سوره ی والقلم.....	۱۸۸
نور امید.....	۱۸۹
نخل بلند استقامت.....	۱۸۹
بوسه ی ائمه علیهم السلام.....	۱۸۹
ماه عشق.....	۱۹۰

۱۹۰	آریاب مروت
۱۹۰	کوی عشق
۱۹۱	قفل گشا
۱۹۱	رو سپید
۱۹۱	ساقی سرمست
۱۹۲	لُجَه‌ی خون
۱۹۲	ضرب شست
۱۹۲	کان سخا
۱۹۳	کجایی؟
۱۹۳	آل یاس
۱۹۳	چشم و چراغ شهدا
۱۹۴	سرط
۱۹۴	زخم عطش
۱۹۴	فدایی دین
۱۹۵	ناگفته‌ها
۱۹۵	نظری
۱۹۵	جگر گوشه‌ی عشق
۱۹۶	تفسیر سرخ عشق
۱۹۶	یک جرعه سخاوت
۱۹۶	شکفته‌ی دعا
۱۹۶	وضوی عصمت
۱۹۶	شیدایی
۱۹۷	سرباز فداکار
۱۹۸	روح شرافت
۱۹۸	شیر حرم آل عبا
۱۹۸	سپهر خوبروئی
۱۹۹	روح ادب

۱۹۹.....	آبروی آب
۱۹۹.....	اسلام مُجْتَمِع
۲۰۰.....	سردار کریم عشق
۲۰۰.....	افضل ناس
۲۰۰.....	یاور خستگان
۲۰۱.....	آینه‌ی فخر
۲۰۱.....	جان رسالت
۲۰۱.....	ساقی اهل دل
۲۰۲.....	خشم خدا
۲۰۲.....	نقشه ژرف
۲۰۲.....	رسالة توحید
۲۰۳.....	پدر فضل و ادب
۲۰۳.....	روح باران
۲۰۳.....	دیباچه‌ی نور
۲۰۴.....	چهره‌ی گلگون
۲۰۴.....	دستگیری از عالم
۲۰۴.....	کلید گشایش
۲۰۵.....	سرو و صنوبر
۲۰۵.....	خدای احساس
۲۰۵.....	امانت
۲۰۶.....	باز آی
۲۰۶.....	دین عاشقی
۲۰۶.....	لنگر عالمین
۲۰۷.....	قلب دین
۲۰۷.....	کوچه‌ی مهتاب
۲۰۷.....	امیر عشق
۲۰۸.....	رمز شب

۲۰۸.....	شیر عرب.....
۲۰۸.....	مایه‌ی ثبات.....
۲۰۹.....	گنجینه‌ی حسین علیه السلام
۲۰۹.....	پس از تو.....
۲۰۹.....	عزّت عشق.....
۲۱۱.....	آفتابی بر دوش.....
۲۱۱.....	داغ کعبه.....
۲۱۱.....	مبادا؟.....
۲۱۲.....	ناگفتنی.....
۲۱۲.....	سپید.....
۲۱۲.....	چشم مست.....
۲۱۴.....	در غم.....
۲۱۶.....	تیر.....
۲۱۶.....	غم فرات.....
۲۱۸.....	وداع دردناک.....
۲۱۸.....	سرلشکر عشق.....
۲۱۸.....	ای مشک.....
۲۱۹.....	اشک.....
۲۱۹.....	دلِ مشک.....
۲۱۹.....	شمشیر بزن.....
۲۱۹.....	نذر.....
۲۱۹.....	عطش نوش بلا.....
۲۲۱.....	بزم درد.....
۲۲۲.....	راه چاره.....
۲۲۲.....	حُرمت دستان.....
۲۲۲.....	به پاس ایثار.....
۲۲۳.....	گره.....

۲۲۳	چشم احسان
۲۲۳	شرم فرات
۲۲۴	شروع قصه
۲۲۴	شور وحی
۲۲۴	فدای دست
۲۲۵	سقای عشق
۲۲۷	دست خالی
۲۲۷	چشم انتظار
۲۲۷	دل افکار
۲۲۸	آر و جار
۲۲۸	بی نام
۲۲۸	آرزو
۲۲۹	دو چشمه اشک
۲۲۹	نامه‌ی عشق
۲۲۹	مهمانی آب
۲۳۰	خشکیدن اشک
۲۳۰	ساقی عشق
۲۳۰	دیدار
۲۳۱	تیر خسته
۲۳۱	گل آتش
۲۳۱	عطر دل انگیز
۲۳۲	قمر هاشمیان
۲۳۲	بنده‌ی صالح
۲۳۲	دایره‌ی مهر
۲۳۳	گرد غم
۲۳۳	قبله‌ی حاجات
۲۳۳	آب

۲۳۴	دو دلداز
۲۳۴	شور و احساس
۲۳۴	پرندۀ دست
۲۳۵	حسرت
۲۳۵	چهره‌ی مهتابی
۲۳۵	چشمه‌ی مهتاب
۲۳۶	سلام
۲۳۶	نذری
۲۳۶	خطر
۲۳۷	روح حال
۲۳۷	ابر آسمانی
۲۳۷	ب، با
۲۳۸	فانی ^{الغلا} احسان
۲۳۸	سرمشق ۳
۲۳۹	سوگوار
۲۳۹	سرّ ازلی
۲۴۰	مه‌بیکر
۲۴۰	برادر
۲۴۲	مرد وفا
۲۴۲	خطّ امان
۲۴۲	یل چهارم
۲۴۲	همسایه‌ی مهتاب
۲۴۳	علمدار سپه
۲۴۳	تاج غلامی
۲۴۴	احیای قرآن
۲۴۴	چهره‌ی تابنده
۲۴۴	دجله‌ی خون

۲۴۵		عطر گل یاس
۲۴۵		التهابی بیقرین
۲۴۵		بوسه‌ی جانانه
۲۴۶		ساقی عشق
۲۴۶		مهتاب
۲۴۶		جام خالی
۲۴۷		قطع امید
۲۴۷		ابر معصوم
۲۴۷		گره‌گشا
۲۴۸		چشم امید
۲۴۸		بانایم
۲۴۸		گل بهشت حرس
۲۴۹		امان‌نامه
۲۴۹		شعر بلند معرفت
۲۴۹		ناز شست
۲۵۰		فرصت داغ
۲۵۰		پرشش
۲۵۰		لاله‌ی سرخ
۲۵۱		یک روز!
۲۵۱		شرح عشق
۲۵۱		راز قنوت
۲۵۲		اقیانوس فضل
۲۵۲		وفا
۲۵۴		یک جرعه نگاه
۲۵۴		مشک خالی
۲۵۴		شرار تشنگی
۲۵۵		توحید

۲۵۵		علمدارت کو؟
۲۵۵		بیقرار
۲۵۶		عجب پاییزی!
۲۵۶		دستان سخی
۲۵۶		رسم سقایی
۲۵۷		امید
۲۵۷		چشمه‌ی شرم
۲۵۷		برادر
۲۵۸		آینه‌ی مرتضوی
۲۵۸		ان فضایل
۲۵۸		تو کاش می‌آی الله
۲۵۹		نرم‌ن احسان
۲۵۹		دل خست
۲۵۹		ماه
۲۶۱		خجلت زده
۲۶۱		بوسه‌ی الهی
۲۶۱		تیر خصم
۲۶۲		حسین تنها
۲۶۲		سه حرف عشق
۲۶۲		ناله‌ی شبگیر
۲۶۲		مُصلی
۲۶۲		باد آورده
۲۶۳		ستون بیستون
۲۶۴		گل یاد
۲۶۴		خیمه
۲۶۴		صد علقمه
۲۶۵		دریازده

۲۶۵	دجله
۲۶۵	مُشت پُر
۲۶۶	رد پا
۲۶۶	یک دفتر شعر
۲۶۸	ادرکنی
۲۶۸	بی قرار
۲۶۸	نور خدا
۲۶۹	اسطوره
۲۶۹	بال و پر
۲۶۹	شری و دلا
۲۷۰	حضرت
۲۷۰	پیمان
۲۷۰	مفهوم آب
۲۷۱	مکتب یقین
۲۷۱	خاک علقمه
۲۷۱	چرا؟
۲۷۲	شوق
۲۷۲	تیر بلا
۲۷۲	ستاره باران
۲۷۱	رسم تشنگی
۲۷۲	لاله‌ی عباسی
۲۷۳	خون لخته‌ی دل
۲۷۴	لاله‌ها
۲۷۴	چشم و چراغ ازلی
۲۷۴	چشم و چراغ عالم
۲۷۵	آفتابی
۲۷۵	رود

۲۷۵		رو سپید
۲۷۶		تاج سر خلاق
۲۷۶		دست خالی
۲۷۶		برای دوست
۲۷۷		بیدارترین
۲۷۷		محبوب
۲۷۷		نهایت شیدایی
۲۷۸		شاهنشاه وفا
۲۷۸		خطر
۲۷۸		شیر
۲۷۹		اسرار
۲۷۹		حبا
۲۷۹		کیستی؟
۲۸۰		امام عشق
۲۸۰		سر مشق ۲
۲۸۰		سرود عشق
۲۸۱		غیرت ماه
۲۸۱		ولی نعمت دریا

به جای مقدمه

نیم‌نگاهی به زندگانی حضرت عباس علیه السلام

در نگاه به قلّه‌های رفیع ایمان، ایثار، شجاعت، برادری و وفا، چشم ما به وارسته مردی بزرگ و بی‌بدیل می‌افتد. مردی که چشم روزگار چو او کمتر دیده، شنیده و پرورانیده است. مردی که در فضل و کمال و فتوّت و رادمردی، الگویی شایسته و برجسته است و در اخلاص و استقامت، نمونه و در خصلت نیک و صفت ارزشمند مواسات، یگانه‌ی درخشان بود.

عباس بن علی علیه السلام از زُبدترین معرفت آموختگان مکتب و دانش‌گاه انبیا و سادات است که گذشت زمان، کمترین غباری بر سی‌مای تابناک و درخشان او ننشاند، و هم‌اکنون نیز ساربانِ قله‌ی جاهلان و عاشقان بی‌قرار فی سبیل‌الله است.

عباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام، پدرش حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و مادرش حضرت اُمّ‌البنین علیها السلام، فاطمه دختر حزام بن خالد کلابی و مشهور به اهل‌الین است.

مشهور است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با برادر بزرگوارش حضرت عقیل که از خوبان روزگار و در نسب‌شناسی عرب شهره‌ی آفاق بود، درباره‌ی انتخاب همسری که شایسته و اصیل باشد و بتواند فرزندی دلیر، دلاور و جنگاور بیاورد، مشورت کرد و جناب عقیل، فاطمه دختر حزام بن خالد را پیشنهاد نمود و گفت: «در میان عرب دلیرتر از مردان بنی کلاب دیده نشده‌اند.»

پدر ام البنین، ابوالمجل حزام بن خالد، از قبیله‌ی بنی کلاب و مادرش لیلا یا ثمامه دختر سهیل بن عامر بن مالک بود. حزام از چهره‌های مشهور و شاخص و ممتاز عرب بود که به شجاعت، سخاوت، شرافت و کرامت مشهور بود. جدّ دوم مادری ام البنین، عامر بن مالک نیز جنگاوری توانا و سواری دلاور بود و ام البنین سجایای رفتاری و وجودی پدر و جدّش را به ارث برد و به فرزندانش منتقل کرد.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سال ۲۵ هجری با «زردواج» کرد. حاصل این ازدواج الهی و معنوی و پر بار، چهار پسر بود به نام‌های عباس، عبدالله، عثمان و جعفر. این چهار تن به شجاعت و دلیری مشهور بودند و از اینرو فاطمه علیها السلام یعنی مادر پسران نامیدند. این چهار تن در کربلا در کنار پدر و پیشوا و امام خود حضرت سیدالشهدا علیه السلام به شهادت رسیدند.

حضرت ام البنین علیها السلام زنی ادب و شاعری فصیح و اهل فضل و دانش بود. همچنین «خوبی سجاد» فداکار و بسیار با فضیلت بود. در خانه‌ی حضرت ابوالبنین علیه السلام، فرزندان حضرت زهرا علیها السلام را بر فرزندان خود مقدم می‌دانست. آنان نیز برای این بانوی بافضیلت احترام خاص و ویژه‌ای قائل بودند و همچون مادری مهربان دودش می‌داشتند.

ام البنین علیها السلام در واقعه‌ی کربلا حضور نداشت و دلایلش نیز چندان آشکار نگردیده است، اما پسران خویش را با کاروان حسینی همراه کرد تا برادر و امام خویش را یار و یاور باشند. هنگامی که کاروان سفر کربلا وارد مدینه می‌شد،

کسی می خواست خبر شهادت فرزندانش را به او بدهد و او گفت از حسین علیه السلام برایم بگویید. چون شنید که چهار فرزندش همراه امام علیه السلام کشته شده اند، گفت: ای کاش فرزندانم و تمامی آن چه در زمین است فدای حسین می شد و او زنده می ماند.

مورخین اسلامی و علمای بزرگ، این سخن او را دلیل اخلاص کاملش به خاندان عترت و طهارت - علیه السلام - دانسته اند. چون خبر شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را با لب تشنه شنید، از خود بی خود شد و چنان بر سر زینش گرفت و فریاد و احسینا سر داد که از حال رفت و گفت بسدای الم پاره گردید.

آورده اند که حضرت یس کبری علیه السلام با آن همه مقامات و شکوه و جلال معنوی، پس از ورود به مدینه به دیدار ام البنین علیه السلام رفت و شهادت سرورشان را به وی تعزیت گفت. این از منزلت و مقامات بلند معنوی اش حکایت دارد. از آن پس حضرت ام البنین علیه السلام در برابر پناهش عیدالله فرزند حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام به تبرستان بقیع می رفت و در آن جا اشعاری که خود سروده بود می خواند و دردمندانه می نالید و می گریست. مردمان بر او گرد می آمدند و با او در این سوگواری همنوا می شدند. حتی گفته اند که مروان بن حکم نیز تحت تأثیر این سوگواری ها قرار گرفته بود و می آمد و در آن جا می گریست. سال وفات حضرت ام البنین علیه السلام چندان مشخص نیست.

نوشته اند که او پس از شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به احترام آن حضرت و برای حفظ حرمت او، شوهر دیگری

اختیار نکرد، با آن که مدتی نسبتاً طولانی (بیش از بیست سال) پس از آن حضرت زنده بود.

حضرت عباس علیه السلام فرزند چنین بانوی حق شناس و بامعرفتی بود و پدری کم نظیر چون حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام داشت. او در روز چهارم شعبان سال ۲۶ هجری در مدینه زاده شد. وقتی به دنیا آمد حضرت مولا علی علیه السلام در گوش او اذان و اقامه گفت، نام خدا و رسول صلی الله علیه و آله را بر گوش او خواند و او را با توحید و رسالت و دین، پیوند داد و م او را عباس نهاد. در روز هفتم تولدش طبق رسم و سنت اسلامی کوفسندی را به عنوان عقیقه ذبح کردند و گوشت آن را به فقرا صدقه دادند.

با تولد حضرت عباس علیه السلام، خانه‌ی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمیخته‌ای از شادی و غم گردید. شادی از برای ولادت این نازنین مولود، و غم و اندوه برای آینده‌ای که در انتظار این فرزند بود. امیرالمؤمنین علیه السلام شب ۲۱ ماه مبارک رمضان سال چهارم هجری و در آخر ساعت و دقایق عمر شریفش، عباس علیه السلام را در آغوش کشید و به دین و مینه سپانید و فرمود: پسر، به زودی در روز عاشورا، چشمانم را وسیله‌ی تو روشن می‌گردد؛ پسر هر گاه روز عاشورا فرا رسید و بر شریعه‌ی فرات وارد شدی، مبادا آب بنوشی در حالی که برادرت حسین علیه السلام تشنه است.

حضرت عباس علیه السلام، نجابت و شرافت خانوادگی داشت و از نفس‌های پاک و عنایت‌های ویژه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام و مادرش ام‌البنین علیه السلام و برادرانش امام حسن علیه السلام و امام

حسین علیه السلام و خواهرش حضرت زینب کبری علیها السلام برخوردار شده بود.

زیستن کنار پنج معصوم علیهم السلام، بهره‌ی معنوی و اخلاقی و معرفتی بسیاری را نصیب او گردانیده بود و گفته شده که از علم لدنی برخوردار بوده است.

بنابر روایات شیعی، امیرالمؤمنین علی علیه السلام او را عباس نامید و فرمود: من این کودک را به نام عمویم، عباس نامیدم. عباس به معنی شیر بیشه، شیر خشمگینی که شیرهای ژیند از او می‌گریزند و دشمنان در برابر او لرزه بر اندازند و افتاد و چهره‌شان از ترس درهم گرفته می‌شد.

آثار عظمت، صلابت، شجاعت و قوت قلب از همان کودکی در چهره‌اش دیده می‌شد.

گنیه‌اش به واسطه فرزندان فضل و قاسم، ابوالفضل و ابوالقاسم بود. ابوالفضل چنان حقیقت و تودی حضرت هماهنگ بود و در زندگی خود با تمام استی و دفاع از فضایل و ارزش‌ها پرداخت که به راستی منبع فضایل بود.

به جهت جمال و زیبایی، قامت رشید و سیمای خیره‌کننده به او قمر بنی‌هاشم می‌گفتند. اصولاً خاندان بنی‌هاشم زیباروی و خوش‌چهره بودند ولیکن حضرت عباس علیه السلام در میان ایشان از همه خوش‌سیماتر بود.

و چون چندین بار در روزهای قبل از عاشورا صفوف فشرده‌ی دشمن را شکافت و خود را به فرات رسانید و تشنگان را سیراب ساخت، لذا سقا، ساقی یا سقّای کربلا نام گرفت. و چون با لبان تشنه در کنار علقمه (که نام رودی بود) به شهادت رسید، لذا به قهرمان علقمه مشهور گردید.

نیز پرچمدار حضرت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بود و لذا به صاحب لواء، یا حامل اللواء و پرچمدار هم معروف بود.

و همچنین به خاطر حمایت از بانوان حرم و اهل بیت، حامی الطعینه (پاسدار و نگاهبان خیام) نام گرفت.

نیز به عبد صالح به خاطر مقام بندگی و عبودیت، و ساعی به خاطر سعی و تلاش برای تحقق نهضت کربلای حسین علیه السلام و شهید به خاطر مقام والای شهادت، شهره یافت.

در تن در کربلا باب الحوائج نامیده شده‌اند. عباس بن علی علیه السلام حضرت علی اصغر علیه السلام نوشته‌اند که حضرت عباس علیه السلام در سال ۴ هجری با ثبابه دختر عبدالله بن عباس، عموزاده‌ی، پدرش که از بانوان ارجمند و بزرگوار بود، ازدواج نمود و حاصل این خجسته وصلت، سه پسر و یک دختر بود:

قاسم، فضل، عیدالله و حمید. قاسم فضل کامی از دنیا نگرفتند و در سال اول کودکی از دنیا چشم پوشیدند. نسل حضرت عباس علیه السلام بنا بر مشهور، از فرزندش عیدالله می‌باشد که در این نسل راد مردان بزرگ، عالمان و فقیهان برجسته و درجه اولی وجود دارند. نوشته‌اند که جناب عیدالله از یاران حضرت امام زین العابدین علیه السلام بوده و مقامات معنوی بلندی داشته است.

حضرت عباس علیه السلام در همه‌ی دوران حیات، همراه برادرش امام حسین علیه السلام بود و فصل جوانی‌اش در خدمت

آن امام همام گذشت. میان جوانان بنی هاشم شکوه و عزّتی داشت و آنان بر گرد شمع وجود عباس علیه السلام حلقه‌ای از عشق و وفا به وجود آورده بودند و این جمع حدوداً سی نفری، در خدمت و رکاب امام حسن و امام حسین - علیهم السلام - همواره آماده‌ی دفاع بودند و در محافل و مجالس، از شکوه این جوانان، به ویژه از صولت و غیرت و حمیت عباس علیه السلام سخن بود.

به غیر از زیبایی ظاهری و باطنی، از بصیرت، بینش و وفای هم برخوردار بوده و برخی از بزرگان گفته‌اند: عباس علیه السلام از فقیهان و دین‌شناسان اولاد ائمه علیهم السلام بود و عال، نه، باطن و پاک.

و به تعبیر مرحوم فاضل: «عباس علیه السلام از بزرگان و فاضلانِ فقه‌ای است - علیهم السلام - بود، بلکه او دانای استاد ندیده بود.»

او مردی شجاع، دلیر، مومن به خدا، با ادب بسیار، با عزت و کرامت نفس و خویشندار، صبور و رندبار و شکیباء، مهربان و با وفا و اراده‌ای قوی بود.

حضرت عباس علیه السلام به برادرش امام حسین علیه السلام بسیار علاقه‌مند بود و احترامات بالایی برایش قائل بود. او همیشه در پی آن حضرت حرکت می‌کرد. امام که می‌رفت، او می‌رفت. چون می‌ایستاد، او نیز می‌ایستاد. فقط در کربلا جلوی امام حرکت می‌کرد تا اگر خطری جان مولا و سرور و امامش را تهدید کند، او سپر بلای امام باشد. در کنار امام حسین علیه السلام چون عبدی دو زانو می‌نشست و حتی امام را برادر خطاب نمی‌کرد بلکه سیدی، مولای، یا بن رسول الله می‌گفت.